

# جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۹۰ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۶۰ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۲/۰۷/۲۴



- قرار گرفتن در موقف هدایت سایر بندگان
- درخواست پشتوانه، برای ایفای نقش هدایت دیگران
- اسباب توفیق برای رسیدن به رحمت و مغفرت الهی
- چشم امید، فقط به فضل خدای متعال است
- خدای متعال توزیع کننده تقوا و مغفرت است
- چهل سالگی از منظر قرآن کریم
- جایگاه تقوا در قرآن
- دعوت به تقوا، هدف‌گذاری رسالت تمام انبیاء
- رسیدن به تقوا، هدف‌گذاری تمام برنامه‌های عبادی
- نماز جمعه، مهم‌ترین آیین هفتگی مسلمان‌ها
- همه چیز با تقوا سنجیده می‌شود
- دوازده آیه شاخص، پیرامون تقوا
- قضایای فلسطین و زوال رژیم صهیونیستی

قرار می‌دهد و آن قرار گرفتن در موقف هدایت سایر بندگان خدا است. یک وقت شما از خدای متعال می‌خواهید که خدایا من را هدایت کن، یک وقت می‌گویم که من بشوم وسیله هدایت دیگران. این رتبه خیلی بالاتری است. همیشه این افق پیش روی مؤمنین هست و هر انسان مؤمنی باید سهم خودش را در انتشار هدایت ایفا کند. عرض کردیم دو مرحله می‌شود، یک مرحله قرار گرفتن در شبکه هدایت الهی است به معنای خاص کلمه، که انبیاء، اولیاء بعد هم فقهاء، علمای عاملین، کسانی که اهل فن هستند، روایت حدیث هستند، بازگو کنندگان معارف الهی هستند، این مربوط به آنهاست. یک مرحله دیگر نه، عمومی است که این بخش عمومی را من یک مقدار مفصل‌تر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ردالمجد

«اللَّهُمَّ وَ أَنْظِقْنِي بِالْهُدَى،  
وَ الْهُمْنِي التَّقْوَى، وَ وَفَّقْنِي  
لِلَّتِي هِيَ أَرْكَى، وَ اسْتَعْمَلْنِي  
بِمَا هُوَ أَرْضَى. اللَّهُمَّ اسْلِكْ  
بِي الطَّرِيقَةَ الْمَثَلَى، وَ اجْعَلْنِي  
عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَ أَحْيَا!».

### قرار گرفتن در موقف هدایت سایر بندگان

در شرح مضامین و گزارش نکته‌های بیستمین دعای صحیفه مبارکه سجاده، بحمدالله رسیدیم به این قطعه پرنور «اللَّهُمَّ وَ أَنْظِقْنِي بِالْهُدَى». در باره این جمله صحبت کردیم، چقدر هم نکته‌های مهم و دقیقی بود. عرض کردیم امام (علیه‌السلام) در این بخش یک رتبه خاصی را پیش‌روی انسان مؤمن سالک دعای بیستم صحیفه سجاده

## درخواست پشتوانه، برای ایفای نقش هدایت دیگران

عرض کردیم برای این که بتوانیم یک چنین نقشی ایفا کنیم الزاماتی دارد. الزاماتش را هم توضیح دادیم. بعد رفتیم سراغ جمله دوم که به نظر می‌رسد جمله دوم در واقع درخواست پشتوانه برای ایفای نقش هدایت دیگران است. آن جمله مشهور از پیامبر اعظم

(صلوات‌الله‌وسلامه‌علیه‌وعلی‌آله‌اجمعی)  
 (ن) خاطر تان هست که خطاب به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود:  
**«يَا عَلِيُّ لَأَنْ يَهْدِيَنَّ اللَّهُ بَكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»**<sup>۲</sup> العظمه لله؛

خیلی چیز عجیبی است. از هر چه که خورشید بر آن می‌تابد برای تو بهتر است از این که بتوانی یک نفر را هدایت کنی. یک نفر متحیر سر دو راهی است یا دارد می‌افتد درون یک چاله‌ای، چاهی، از

توضیح دادم. علتش هم این بود که می‌خواستیم به همه دوستان بگوییم احاد شماها می‌توانید در این بخش نقش ایفا کنید. این کلمه «انطقنی بالهدی» در باره شما هم مستجاب می‌شود تا شما هم هر وقت زبان باز کردید این سخن شما در آن یک نور هدایت الهی باشد. دل مخاطب را، فکرش را، ذهنش را، به خدای متعال متوجه کند، به عالم آخرت متوجه کند، به مسائل شرعی متوجه کند، به فضیلت‌ها و زیبایی‌های اخلاقی متوجه کند، این از همه برمی‌آید. البته با تفاوتی که در مراتب خودشان دارند. پس این به تفصیل گذشت.

«الهمنی»، ما داریم این را از خود خدای متعال توقع می‌کنیم. چی را به من الهام کن؟ تقوا را. خیلی هدف‌گذاری جالب است. ببینید یک وقت انسان مسیری را برای رسیدن به هدفی برنامه‌ریزی می‌کند به نام تقوا، یعنی شما یک مسیر را برنامه‌ریزی می‌کنید، سیر و سلوکی دارید، قواعد شرعی را رعایت می‌کنید، بهداشت فکری را رعایت می‌کنید، بهداشت معاشرتی را رعایت می‌کنید، وظایف دینی‌تان را خیلی خوب، قوی، شروع می‌کنید به انجام دادن، برنامه‌ریزی می‌کنید برای این که به تقوا برسید که یک قله‌ی خیلی مرتفعی است. این یک مسیر خاصی است و آن عبارت است از این که ما از خدای متعال بخواهیم از لطف و کرمش، تقوا را از یک راه نزدیکی به ما برساند. همان

جهت اخلاقی، از جهت زندگی و این‌ها، شما هدایتش کنید، راهنمایی‌اش کنید. ان شاءالله این به واسطه وجود شما بیاید به صراط مستقیم، از گناه، از افتادن در چنبره شیطان، از دام شیطان نجات پیدا کند. فرمود این از همه آنچه که خورشید بر آن می‌تابد برای شما بهتر است. این یک چنین نعمتی است.

اگر انسان بخواهد در یک چنین نقشی قرار بگیرد و ان شاءالله فراوان وجودش منشأ هدایت و خیر بشود، در این جهت این نیاز به پشتوانه دارد. امام (علیه‌السلام) فرمود «و الهمنی التقوی» این تقوای الهامی می‌خواهد. راجع به کلمه الهام جلسه گذشته مفصل توضیح دادم. آن اشراق الهی، آن جلوه نور الهی بر قلب انسان، بر فکر انسان که از طرق باطنی انجام می‌شود، این می‌شود الهام.

کار خودش را می‌کند که اصطلاحاً اسباب توفیق است. اسباب توفیق در دو کلیدواژه در دعاهای ما آمده است.

اول: در دعاهای بعد از نمازها هست که می‌گوید «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ؛ آن چیزهایی که باعث می‌شود رحمت تو نازل بشود آن‌ها را به من برسان». مثلاً من اگر به شما رحمت داشته باشم، مهر داشته باشم، نسبت به بندگان خدا، نسبت به سایر مؤمنین، این می‌شود یک زمینه برای نزول رحمت الهی، نص قرآن کریم هم هست. گفت اگر می‌خواهید از رحمت الهی بهره‌مند بشوید، باید شما هم نسبت به دیگران اهل رحمت بشوید. این می‌شود آن «مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ».

دوم: «وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ» این هم باز از همین قبیل است. یعنی آن امور مهمی که سبب

هدف است متتها راه میانبر می‌خواهیم. آن مسیری که خودمان برنامه‌ریزی می‌کنیم، حالا برسد، نرسد، کی برسیم، چگونه برسیم، باید همیشه هم در دستور کار انسان‌های مؤمن باشد. اما یک وقت است که شما می‌گویید خدایا من را برسان. «الهمنی»، این هدف بزرگی است.

### اسباب توفیق برای رسیدن به رحمت و مغفرت الهی

در قرآن کریم در سوره مبارکه محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این تعبیر هست که خدای متعال به بعضی‌ها تقوا می‌دهد «وَأَتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ»<sup>۳</sup> یعنی خدای متعال تقوای‌شان را به آن‌ها داد. این یک چیز دیگری است. برای این که عنایت الهی شامل حال انسان‌ها بشود یک مقدماتی، یک زمینه‌هایی

۳ آیه ۱۷ سوره مبارکه محمد

بارها خدمت‌تان عرض کردیم هرگز. من مثلاً برنامه‌ریزی کردم به این ترتیب که معاشرت، اخلاق، عبادت، فعالیت‌های اجتماعی، تحت فلان اساس باشد. آیا می‌توانیم به همین برنامه‌ای که خودم ریختم اعتماد کنم؟ بارها خدمت‌تان عرض شد

که نه. اخیراً به مناسبت یکی دو فراز قبلی گفتیم چشم امید انسان مؤمن سالک عاقل زیرک، فقط به فضل خدای متعال است. گفت: «وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْنَا وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَّيْنَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا...»<sup>۴</sup> محال است کسی از شما به برسد مگر از فضل خدای متعال. پس چشم امید به فضل خدای متعال است.

فضل الهی هم مشروط نیست. یعنی چی؟ یعنی دست خدای متعال باز است «بَلْ يَدَاهُ

آمزش من می‌شود که مغفرت تو شامل حال من بشود، آن‌ها را به من عطا کن. یعنی مبانی، مبادی، اصول رحمت و مغفرت در اختیار من قرار بگیرد. شناخت و رهگیری آن‌ها زمینه‌سازی می‌کند برای این که انسان بتواند به رحمت و مغفرت الهی برسد.

### چشم امید، فقط به فضل خدای متعال است

در این میان یک جمله را به ما گفتند که اگرچه راه اسباب هست، برنامه‌ریزی هست، طراحی هست، تمام این‌ها به جای خودش محفوظ است و انسان‌ها هم باید از همین راه بروند، همه باید سالک همین سبیل باشند تا مقدمات ایمان و تقوا و کسب رضایت الهی را خودشان آماده کنند. اما چشم امیدشان باید به چی باشد؟ به برنامه خودشان باشد؟



این حرفی که زدند لعنت و نفرین‌شان می‌کند. بعد بلافاصله می‌گوید «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ»<sup>۸</sup> دست خدای متعال باز است. مُلک، مُلک اوست. مُلک، مُلک اوست. قدرت، قدرت اوست. اراده، اراده اوست، به هر کسی بخواهد، به هر شکلی می‌دهد، به شما چه ربطی دارد. مگر شما می‌توانید برای خدای متعال حد و مرز و شرایط تعریف کنید؟ لذا همه آن‌ها به جای خودش محفوظ است.

این می‌گوید خدایا «الهمنی التقوی» من از تو تقوای الهامی می‌خواهم، به من برسان، قلبم را روشن کن. انسان وقتی زندگی مؤمنین را، مخصوصاً آن‌هایی که به مقاصد رسیده‌اند مطالعه می‌کند، می‌بیند باز نهایتاً تقوای الهامی و آن فضل

مَبْسُوطَتَانِ...<sup>۹</sup> در روایتی امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرَى الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابٍ»<sup>۶</sup> خداوند ابا دارد از این که چیزها (امور) را جز از طریق اسباب فراهم آورد» این در جای خودش محفوظ است، اما معنایش این نیست که دست خدا بسته است. اگر کسی این طور فکر کند که همه چیز فقط از طریق اسباب مقرر انجام می‌گیرد، این به یک نوع تفکر خطرناک مبتلا شده که قرآن کریم این را نسبت می‌دهد به یهودی‌ها، یعنی ممکن است مسلمان باشد اما فکرش یک چنین انحرافی را داشته باشد. آن‌ها هستند که می‌گویند خدای متعال دستش بسته است. «يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ»<sup>۷</sup> حتی خدای متعال به خاطر

۵ آیه ۶۴ سوره مبارکه مائده

۶ الکافی: ۱/۱۸۳/۷

۷ آیه ۶۴ سوره مبارکه مائده

(صلوات الله وسلامه علیه)  
پیامبر اعظم چه کرده است. خلاصه همین وسط تو هم بگو خدایا به ما هم برسان، این عنصر تقوا را به خیلی‌ها دادی که زندگی‌شان در این دنیا به سلامت گذشت، آلوده نشدند، در دام شیطان نیفتادند، عنایتی کردی، یک لطفی، نوری، توجهی، ذکری، این‌ها را به باطن شخص دادی و این راه صد ساله را یک شبه رفت.

ماها این‌ها را دیدیم، کسانی این طور بودند، یک دفعه پرواز کرد، از یک مرحله‌ای به کجاها رسید. در شهداء یک کسانی هستند که گاهی در تعابیر می‌گویند مثل حرّ است، ربط می‌دهند به ماجرای جناب حرّ، چون سابقه ایشان نشان نمی‌داد اما یک دفعه یک جایی دست طرف را گرفتند پروازش دادند. تو هم دائم نشین بگو چی

دست‌شان را گرفته است. کار کردند، زحمت کشیدند، خیلی‌های دیگر هم کار کردند و زحمت کشیدند، اما معلوم می‌شود این در یک رتبه‌ای خودش را به فضل خدای متعال و کرم او متصل کرده است، یعنی چشم امیدش به کرم خدای متعال است، نه به برنامه‌ریزی‌های خودش. پس این می‌شود یک باب.

ما قبلاً هم به مناسبت بحث فضل، این را یک مقدار مفصل توضیح دادیم و دیدید که لسان قرآن کریم هم راجع به پیغمبر اکرم (صلوات الله علیه) لسان فضل است. خدای عظیم در باره پیامبر عزیزمان این طور توصیف می‌کند «وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا»؛<sup>۹</sup> فضل خدای متعال در باره تو بزرگ است». چه فضلی، چه بخششی، چه بهشتی، خدای متعال در باره



**أَهْلُ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ**  
**أَهْلُ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ أَهْلُ**  
**التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةِ.** این «أَهْلُ  
**التَّقْوَى وَ الْمَغْفِرَةِ»** در قرآن  
 کریم هم هست «هُوَ أَهْلُ  
**التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ»** این  
 که خدای متعال اهل مغفرت  
 است، چقدر تعبیر جالبی است  
 «اهل المغفرة»، یعنی این  
 گونه است که خدای متعال  
 می‌بخشد. «اهل التقوی» این  
 که خدای متعال اهل تقوا  
 است یعنی چی؟ یک معنایش  
 این است که می‌گویند حق  
 خدای متعال است که نسبت به  
 او مردم مراقبت کنند؛ نگاهش  
 را، فرمانش را، امرش را، نهی‌اش  
 را مراعات کنند. بعضی‌ها این  
 طور معنا می‌کنند. «اهل  
**التقوی»** از اسماء الحسنی است.  
 در قرآن آمده، در دعای زیبای  
 عید فطر هم آمده که کاش  
 شرح بشود، این دعای عید  
**فطر ظرفیت شرح دارد، خیلی**  
 ۱۰ آیه ۵۶ سوره مبارکه مدثر

شد، چی نشد. مگر زبانم  
 لال دست خدای متعال بسته  
 است؟ مگر تو فکرت فکر  
 یهودی است که مثلاً می‌گویی  
 دست خدا بسته است؟ حالا  
 آن مہدات و مقدمات و  
 این‌ها همه به جای خودش  
 محفوظ است، آن‌ها را هیچ  
 به آن تعرضی نمی‌کنیم، ما  
 هم راه‌مان را باید طبق همان  
 برویم. اما چشم امیدمان به  
 چی باشد؟ به فضل باشد،  
 فضل این جا در کلیدواژه  
 الهام آمده است. می‌گوید  
 نور تقوا را به باطنم برسان.

### خدای متعال توزیع کننده تقوا و مغفرت است

این جا را که من می‌خواندم  
 یاد این دعای مشهور عید  
 فطر افتادم، کاش این دعا را  
 بیشتر بخوانیم، خیلی دعای  
 قشنگی است «اللَّهُمَّ أَنْتَ  
**أَهْلُ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ وَ**

## چهل سالگی از منظر قرآن کریم

قرآن کریم از کلمه دیگری هم استفاده کرده؛ «أَوْزَعْنِي»، «أَوْزَعْنِي» یعنی «الهمنی». «رَبِّ أَوْزَعْنِي» این خیلی قشنگ است؛ «رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَيَّ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»<sup>۱۱</sup> این آیه هم از آیات فوق‌العاده قرآن کریم است که زبان حال انسان مؤمن سالک است که رسیده به کمال چهل سالگی که باید دیگر در این منزل مستقر شده باشد. یعنی چی رسید به چهل سال؟ یعنی این دیگر فقط به دنبال این چیزها است «أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ»<sup>۱۲</sup> رسیده به مقام شکر،

خوش ساخت است. «اهل التقوی» معنای دیگر هم دارد، به همین معنا که خدای متعال است که به مردم، به مؤمنین، به ناس، تقوا می‌دهد. آن که تقوا را می‌رساند اوست، اهلیتش را خود خدای متعال دارد. به همان معنایی که راجع به مغفرت می‌گوییم «اهل التقوی، اهل المغفرة» روش خدای متعال این است که توزیع کننده تقوا است و توزیع کننده مغفرت است. همین طور که مغفرت بین بندگانش توزیع می‌کند، خدای متعال تقوا را هم بین مردم توزیع می‌کند. می‌گویند «الهمنی یا اهل التقوی» پس این هم یک شیوه درخواست است.

۱۱ آیه ۱۵ سوره مبارکه احقاف

۱۲ همان

## جایگاه تقوا در قرآن

یادتان باشد ما در فرهنگ قرآن کریم کلمه‌ای هم‌تراز تقوا نداریم. انسان وقتی می‌خواهد وارد شود در باره این کلمه فوق‌العاده جذاب، خوش ساخت، پرمعنا، صحبت کند، از هر سمتی می‌روی یک آفاق تازه‌ای باز می‌شود. کلمه تقوا بیش از ۲۲۰ بار در قرآن کریم آمده است. جزو کلمات پرتکرار در قرآن است که فقط هشتاد و خرده‌ای دستور مستقیم به تقوا است. فرمان به تقوا، که آن کلیدواژه مشهورتر آن «اتقوا الله»‌های قرآن است. مثلاً در یک آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٍ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»<sup>۱۳</sup> این جا در یک آیه دو بار «اتقوا الله» یا فاصله کم آمده، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ» یک فرمان «وَ لْتَنْظُرْ

این توجهش این است، نعمت‌شناس شد، شاکر شد. در اعمال فقط دنبال آن عملی است که خدای متعال را راضی کند، از بین اعمال صالح «وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ» همه اعمال صالح خوب هستند، همان عمل صالحی که جلب رضایت خاص الهی را می‌کند. توجه تامی دارد به جریان اصلاح در نسلش، «وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» حال او مسئله توبه دائمی است، «إِنِّي تَبْتُ إِلَيْكَ» و در مقام تسلیم مستقر شده «وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ». از نظر قرآن کریم چهل سالگی یعنی انسان اگر درست راه رفته باشد به چهل سالگی که رسید این خصوصیات در او مستقر شده است.

تَقُوا اللَّهَ...»<sup>۱۶</sup> چقدر در این آیه تأکید وجود دارد، در این قطعه «و لقد» تأکید است، خود وصیت در اوج تأکید است، «وصینا» جمع بسته شده تأکید مضاعف است. در همین چند کلمه «و لقد وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ»<sup>۱۷</sup> همه آن کسانی که قبلاً مورد خطاب انبیاء بودند و ما کتاب هدایت برای آنها فرستادیم، همه آنها مخاطب به تقوا بودند، «وَ إِيَّاكُمْ» از جمله شما هم که مخاطب قرآن هستید و مخاطب پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) هستید. خلاصه همه آمدند گفتند تقوای الهی داشته باشید.

نَفْسٍ مَا قَدِمْتَ لِعَدٍّ» بلافاصله «وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» حالا از این قبیل الی ما شاء الله. مثلاً «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»<sup>۱۸</sup>، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ...»<sup>۱۹</sup> و هكذا، خیلی مفصل است.

### دعوت به تقوا، هدف گذاری رسالت تمام انبیاء

این قدر مورد عنایت است که فرمود باخبر باشید همه پیامبران آمدند به شما بگویند با تقوا باشید. کل هدف گذاری رسالت انبیاء روی این نقطه است، دعوت به تقوا است. آیه اش با کلیدواژه وصیت هم آمده که خیلی سنگین تر است «وَ لَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ إِيَّاكُمْ أَنْ

۱۶ آیه ۱۳۱ سوره مبارکه نساء  
همان ۱۷

۱۴ آیه ۷۰ سوره مبارکه احزاب  
۱۵ آیه ۱۰۲ سوره مبارکه آل عمران

## نماز جمعه، مهم‌ترین آیین هفتگی مسلمان‌ها

مهم‌ترین آیین هفتگی مسلمان‌ها نماز جمعه است. نماز جمعه خیلی مرتفع است. برای هر دفعه نماز جمعه‌ای که من و تو از دست دادیم حسرت‌ها خواهیم خورد. همان حسرت برای انسان یک جهنمی است. امام خمینی (رحمه‌الله‌علیه)، آن مرد حکیم فقیه عارف اسلام‌شناس بی‌نظیر روزگار ما می‌فرمود اگر انقلاب اسلامی فقط نماز جمعه را به ما داده باشد، برای جامعه ما کافی است. ما بی نماز جمعه بودیم، نماز جمعه حاصل خون شهداء و این نهضت بزرگ است. رهبر حکیم حاضرمان فرمودند نماز جمعه استثنایی است، با حج مقایسه کردند، فرمودند حج چیزهایی در نماز جمعه هست که در حج هم نیست. چیز فوق‌العاده‌ای است. «إِذَا

## رسیدن به تقوا، هدف‌گذاری تمام برنامه‌های عبادی

به نص قرآن کریم، هدف‌گذاری تمام برنامه‌های عبادی، برای رسیدن به تقوا است. خیلی مسئله اساسی است. نماز، روز، حج. خدای متعال در حج یک کلمه بیشتر نمی‌خواهد «و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى...»<sup>۱۸</sup> کل مراسم حج برای این است که تو وقتی برمی‌گردی یک ره‌توشه‌ای از تقوا با خودت همراه کرده باشی. روزه؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»<sup>۱۹</sup> هدف‌گذاری روزه هم برای تقوا است. «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» مسئله رسیدن به تقوا است. بنابراین تقوا یک مطلب آسانی نیست.

۱۸ آیه ۱۹۷ سوره مبارکه بقره  
۱۹ آیه ۱۸۳ سوره مبارکه بقره

انداخته است، سفره رحمت، سفره مغفرت، سفره تزیید حسنات برای شما انداخته است، برای خودش یک بهشتی است. خب حالا برویم و نرویم و این پا و آن پا می‌کنید بعد می‌بینید شیطان کمرتان را شُل کرد. اگر از پنج‌شنبه مصمم شدی، بلکه از اول هفته مصمم شدی که نماز جمعه را بروی و از خدای متعال خواستی، چه بسا موفق بشوی و برای آن برنامه‌ریزی کردی، وَاَلاَ بَدَانَ حَتْمًا رُوزِ جَمَعِه به تردید می‌افتی بعد یا مادرت برایت یک وظیفه‌ای تعیین می‌کند یا آقا جونت برای تو یک وظیفه‌ای تعیین می‌کند، یا همسر می‌گوید برویم مثلاً مهمانی و فلان جا. مثلاً می‌گویی حالا یک استراحتی بکنیم، یک تفریحی برویم و یک قدمی بزنیم. این طور می‌شود که کار از دست

نُودِي لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ...»<sup>۲۰</sup>.

رفقا، برادرها، خواهرها، نماز جمعه را برای خودتان واجب تعیینی تعیینی بدانید تا موفق بشوید. فرمودند اگر می‌دانستید در نماز جمعه چه خبر است سینه‌خیز می‌رفتید. آن جا چه خبر است؟ خدا با اهالی روز جمعه چه می‌کند؟ بر خودتان واجب بدانید تا توفیق هم نصیب‌تان بشود. نگویند که حالا روز جمعه است، حالا ما یا نمازمان را خودمان بنشینیم بخوانیم یا برویم. شیطان هم حتماً شما را می‌خواباند می‌گوید باشد بابا حالا یک روز جمعه است، حالا دفعه بعد می‌رویم. کدام دفعه بعدی؟ تو خبر نداری که آن جا بروی خدای متعال سفره حج برای شما انداخته است، سفره عمره برای شما



خارج می‌شود. مگر عذر موجه باشد، خدای نخواستہ مریضی سختی پیش بیاید که انسان نتواند برود. نمی‌دانم تا به حال این حالت را داشتید یا نه، مثلاً شما این هفته موفق نشدید به نمازجمعه؛ اگر در خلوت‌تان گریه کردید که خدایا من چه فرصتی را از دست دادم، یک چیزی پیش آمده، یک برنامه‌ای پیش آمد، یک مریضی، یک چیز ناخواسته‌ای پیش آمده که من دسترسی به نمازجمعه نداشتم. اگر این طور شد و در فراق نمازجمعه حسرتی خوردی، آهی کشیدی، از ته قلب آه داشتی که من این هفته موفق به حضور در نمازجمعه نشدم، خدای متعال آن وقت اجر آن نمازجمعه را طبق قاعده‌ای که قبلاً به شما عرض کردیم که «يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ خَيْرٌ مِّنْ عَمَلِهِ»<sup>۲۱</sup>، ان شاء الله در نامه

اعمال بنویسند، و الا آن که از دست دادی خیلی چیز عجیبی است. پس یک نمازی با این خصوصیات متفرد که به تعبیر رهبر فقیه عارف‌مان نمازجمعه استثنایی است. زینت نمازجمعه خطبه‌اش است، آن که متفاوتش می‌کند خطبه است، آن دو رکعت، آن دو خطبه جای دو رکعت نماز است. در هر دو خطبه، تقوا، جزو واجبات خطبه است. هم‌ردیف با حمد و ثنای الهی، هم‌ردیف با صلوات بر محمد و آل محمد (صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین)، سفارش به تقوا است که اگر یک وقت خطیب عمداً نگوید، اصلاً باطل است. اگر سهواً هم نگوید، تا آخر خطبه هر وقت یادش بیاید باید جبران کند. خیلی حساس است، دعوت به تقوا جزو واجبات است. در هر دو هم هست. عین

یک پیامی داشت، بعد گفت به بچه‌های سپاه دماوند بگو این طرف فقط تقوا؛ حتی اگر شهید شده باشی. یعنی شهداء هم طبق مراتب تقوا از آن‌ها قبول می‌کنند. از بعضی از مقتولین که البته از دیدگاه ما همه‌شان شهید هستند، اما عند الله تبارک و تعالی بعضی‌شان شهید فی سبیل الله هستند، مقتول فی سبیل الله هستند و برخی نه. خدای متعال از آن‌ها نمی‌پذیرد. یک کسی ممکن است یک نیت دیگری داشته، یک آرمان دیگری داشته است. همه چیز با تقوا سنجیده می‌شود. خیلی آیه محکم است «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۲۳</sup> خدای متعال فقط از متقین می‌پذیرد، مسئله این است. بعد هم فرمود جایگاه و رتبه و درجه شما در دستگاه الهی

حمد و ثنای حق و صلوات بر اولیاء، مسئله توصیه به تقوا است. این خیلی اساسی است.

### همه چیز با تقوا سنجیده می‌شود

قرآن کریم را که مشاهده می‌کنید از هر طرف می‌روید به تقوا می‌رسید. از هر مسیری که بروید مسئله مسئله‌ی تقوا است. خدای متعال فقط از انسان متقی قبول می‌کند. خیلی سنگین است. این با اِدات حصر است «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۲۲</sup> فقط از متقی قبول می‌کند.

آن دوست عزیز شهید ما، بعد از شهادتش، یک وقتی سری به حجره ما زد. از بچه‌های پاسدار دماوند بود. در یک حال خوشی دو سه مسئله به من گفت. راجع به خانواده‌شان

می‌شود، ترازو هم فقط آن جاست، آن جا معلوم می‌شود کی دارد کی ندارد. این داشتن و نداشتن برمی‌گردد به حقیقت وجودی انسان‌ها، به باطن‌شان، به قلب‌شان و اگر قلب آراسته به تقوا شد کار درست می‌شود که قرآن می‌گوید «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»<sup>۲۷</sup> اگر قلب کسی آراسته به تقوا شد؛ قلب یعنی چه؟ یعنی آن عمیق‌ترین بخش شخصیت شما که مرکز تولید عواطف است که از آن محبت و تعلق تولید می‌شود؛ این قلب است. بعد هم می‌گوییم ستاد فرماندهی کل قوای انسان، یعنی مملکت وجودت، آن ستاد کل فرماندهی قلب است. آن جا اگر آراسته به تقوا شد کل مراتب شخصیت شما به نور تقوا آراسته می‌شود چون نقطه کانونی و مرکزی است.

۲۷ آیه ۳۲ سوره مبارکه حج

با تقوا است. هر کسی تقوای بیشتر، نزد خدای متعال دارای رتبه و مرتبه بالاتری است. آیه مشهوری می‌فرماید «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...»<sup>۲۸</sup> فقط با تقوا است. هر کسی تقوایش بیشتر است، رتبه‌اش بالاتر است. لذا خود امیرالمؤمنین (علیه‌الصلوة والسلام) فرمود «الغنى والفقر بعد العرض على الله»<sup>۲۹</sup>، این جا معلوم نمی‌شود دارایی هر کسی در دستگاه الهی چقدر است. چون معیار سنجش ظاهری نیست. پای میز محاکمه الهی معلوم می‌شود کی دارد کی ندارد. «فَمَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ \* وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ»<sup>۳۰</sup>. وقتی رفتی روی ترازو معلوم

۲۴ آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات

۲۵ نهج البلاغه: الحکمة ۴۵۲

۲۶ آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ سوره مبارکه

## دوازده آیه شاخص، پیرامون تقوا

بهترین شرح صحیفه مبارکه سجادیه، شرح مرحوم آقای آسید علی‌خان مدنی است. واقعاً در حد خودش شرح معیاری است. این مرد شریف اهل شیراز است. یک جامعیتی در تفسیر دارد، هم قرآنی، هم حدیثی، هم یک جاهایی فقهی، یک جا آمده در خدمت نهج‌البلاغه. در آن موشکافی‌ها، به این جا که می‌رسد می‌گوید «الهی و انظفنی بالهدی»، چند کلمه راجع به «انظفنی بالهدی» می‌گوید عبور می‌کند می‌رود سراغ تقوا. «و الهمنی التقوی»، این جا یک درنگی می‌کند می‌رود به محضر قرآن کریم. حدود دوازده مورد از آیات قرآنی را پشت سر هم فهرست می‌کند، می‌گوید ببینید تقوا این است.

این که امام (علیه‌السلام) می‌فرماید

آن هم ناشناخته است، آن فقط پیش خدای متعال است.

البته ما از نظر حُسن ظن به مؤمنین همه را اهلش می‌دانیم، افعال خوبی دارند، اعمال صالحی دارند، حسناتی از آن‌ها می‌بینیم، همه این‌ها را طبق همان قاعده می‌دانیم، می‌گوییم از کوزه همان برون تراود که در اوست، ما مأمور به حُسن ظن هستیم، این ربطی به من و شما هم ندارد که بخواهیم باطن آدم‌ها را محک بزنیم. اصلاً دست کسی نیست، این پیش خدای متعال است. آن جاست که پذیرش می‌شود. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»<sup>۶۸</sup> بهره‌مندی چه کسی از آن کرامت الهی بیشتر است؟ آن کسی که به‌ره‌اش از تقوا بیشتر باشد. تقوا اکسیر اعظم است.

است. «وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً» هرچه که دشمنان خدا بخواهند کید داشته باشند، برنامه‌ریزی کنند، بر علیه شما حيله‌گری کنند، به شما نمی‌توانند ضرری بزنند. «لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً» این تقوا است.

### ۳. تأیید و نصرت از جانب خدای متعال

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ»<sup>۳۱</sup> این معیت را ایشان معیت نصرت گرفته است. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا» خدا با اهل تقوا است. معیت یعنی چی؟ خیلی از مفسرین می‌گویند این «مع» الذين اتقوا» یعنی نصرت. معیت، معیت نصرت است.

به من تقوا را الهام کن؛ این تقوا یعنی چی؟ این جا یک فهرست داده شده است.

### ۱. صبر و تقوا

«وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»<sup>۲۹</sup> اگر کسی بخواهد به عالی‌ترین امور که در رتبه عالی قرار دارد بخواهد برسد، از مسیر صبر و تقوا می‌رسد. «وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا» این نیرومندی و این عناوین رفیع گره خورده به همت‌های بلند است.

### ۲. حفظ و حراست

«وَ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً»<sup>۳۰</sup> در این دو آیه، ترکیب صبر و تقوا چقدر ترکیب قشنگی

۲۹ آیه ۱۸۶ سوره مبارکه آل عمران  
۳۰ آیه ۱۲۰ سوره مبارکه آل عمران

۳۱ آیه ۱۲۸ سوره مبارکه نحل

روزی‌های معنوی، فتوحات، پروازها، پروازهای معنوی.

#### ۴. نجات از گرفتاری‌ها و وسعت در روزی

#### ۶ و ۵. اصلاح عمل و مغفرت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»<sup>۳۴</sup> در باره تقوای کلامی هرچه بگوییم کم است. عمده بیچارگی‌های ما به خاطر عدم رعایت در کلام و سخن است. این جا فرمود «يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ...»<sup>۳۵</sup> خدای متعال کارهایتان را اصلاح می‌کند. این یک. دوم: «وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»<sup>۳۶</sup> گناهان‌تان را هم می‌بخشد. هم اعمال‌تان اصلاح می‌شود و هم مغفرت شامل حال‌تان می‌شود. در ادامه هم می‌فرماید «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا \* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسِيبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»<sup>۳۲</sup>.  
اول: «يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» یعنی راه‌ها را برای انسان با تقوا باز می‌کند. در همه زمینه‌ها؛ علمی، فنی، خانوادگی، اجرایی، مدیریتی، نظامی. دوم: یعنی انسان متقی بی‌بن‌بست است. انسان متقی یعنی انسانی که جلوی او بن‌بست وجود ندارد. احدی الحسین است، یا پیروزی است یا شهادت است. بن‌بست ندارد. «وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»<sup>۳۳</sup> از آن جایی که فکرش را نمی‌کند خدای متعال به او روزی می‌رساند. مادی، معنوی، علمی، مخصوصاً

۳۴ آیه ۷۰ سوره مبارکه احزاب  
۳۵ آیه ۷۱ سوره مبارکه احزاب  
۳۶ همان

۳۲ آیات ۲ و ۳ سوره مبارکه طلاق  
همان ۳۳

### ۹. بزرگداشت و تکریم

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»<sup>۴۰</sup> همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شما هستند.

### ۱۰. بشارت در دنیا و آخرت

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ \* لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ...»<sup>۴۱</sup> یعنی انسان‌های متقی کسانی هستند که خدای متعال در دنیا و آخرت به آن‌ها بشارت می‌دهد. حالا بشارت دنیایی چیست؟ بشارت آخرتی چیست؟ «فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ». ما با این آیه کار داریم. امشب نمی‌رسیم، ان شاءالله جلسه آینده توفیقی بود ادامه می‌دهیم.

فَوْزًا عَظِيمًا»<sup>۳۷</sup> پس این شد پنج و شش. در یک آیه اصلاح عمل پنج، مغفرت شش.

### ۷. محبت حق تعالی

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»<sup>۳۸</sup> انسان متقی محبوب خدای متعال است، محبت خدای متعال شامل حال اوست. این چیزهایی که خدای متعال می‌گوید؛ محسنین، متقین، صابرين، مقاتلین، همه این‌ها را خدای متعال می‌گوید من دوست دارم.

### ۸. پذیرش اعمال

«إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»<sup>۳۹</sup> شرط پذیرش اعمال، فقط تقواست.

۴۰ آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات  
 ۴۱ آیات ۶۳ و ۶۴ سوره مبارکه یونس

۳۷ همان  
 ۳۸ آیه ۷۶ سوره مبارکه آل عمران  
 ۳۹ آیه ۲۷ سوره مبارکه مائده

## ۱۱. نجات از آتش، نجات از

### جهنم

«وَ إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَاوَدُهَا»<sup>۴۲</sup> می‌فرماید همه شما می‌روید جهنم، استثناء ندارد. این ادامه‌اش است «كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا»<sup>۴۳</sup>؛ خداوند این را بر خودش حتمی کرده است، همه شما را به جهنم می‌برد. «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا...»<sup>۴۴</sup> بعد هر کسی مطابق تقوایی که دارد از جهنم آزاد می‌شود. «وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا»<sup>۴۵</sup> این جا ظلم نقطه مقابل تقوا است. «وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ» آن کسانی که تقوا ندارند، جای آن چه گذاشته؟ «ظالمین». «وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا» ظالمین آن جا می‌مانند، بقیه به اندازه تقوای‌شان. «ثُمَّ

نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا»<sup>۴۶</sup> گفتیم بعضی‌ها این قدر سرعت نجات دارند که اصلاً جهنم را نمی‌بینند. بعضی‌ها این طور هستند. اینقدر سریع عبور می‌کنند که می‌گویند چه خبر بود؟ ما که جهنی ندیدیم، خاموش بود. ما راجع به جهنم یک کلمه می‌گوییم، یک چیزی می‌شنویم، چه می‌دانیم جهنم یعنی چی؟ این نار الله یعنی چی؟ آتش خدا یعنی چی؟ کسی درکی ندارد. آن وقت ببینید این‌ها چه کسانی هستند که نور ایمان و تقوای‌شان چنان بر جهنم غلبه می‌کند که وقتی از جهنم عبور کردند می‌گویند ما جهنمی ندیدیم، خاموش بود «لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ»<sup>۴۷</sup>. اما بعضی‌ها نه، بعضی‌ها می‌بینند، آن جا معطل

۴۲ آیه ۷۱ سوره مبارکه مریم

۴۳ همان

۴۴ آیه ۷۲ سوره مبارکه مریم

۴۵ همان

۴۶ آیه ۷۱ سوره مبارکه مریم

۴۷ آیه ۶۴ سوره مبارکه یونس



می‌شوند. کسانی هم هستند که سینه‌خیز می‌روند. ببینید حالا چقدر طول می‌کشد تا از این ناحیه بتوانند خارج شوند و در آن وقوف‌شان چقدر اذیت می‌شوند. در عین حال دارد می‌رود، آن که دارد می‌رود باز همان نیروی تقوا است که او را می‌برد، آن جا خلود ندارد. اما خیلی طول می‌کشد. در روایت دارد که می‌گوید مثلاً فلان کس می‌بینید پنجاه سال، آن دیگری می‌بینید پانصد سال معطل است تا بتواند عبور کند. تمام این‌ها به تقوا برمی‌گردد. چقدر از تقوا بهره‌مند باشد «ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًا»<sup>۴۸</sup>. هر کدام از این آیات کافی است برای این که انسان را متحول کند. انسان پای همین یک آیه بایستد متحول

می‌شود. ما کجا داریم می‌رویم و چی باید با خودمان ببریم؟ فقط هم می‌شود تقوا را از این جا برد. این است که فرمود «وَ تَزَوَّدُوا»، این فقط برای حجاج بیت‌الله الحرام نیست، برای عموم کسانی که در این عالم زندگی می‌کنند، آیه به آن‌ها هم اصابت می‌کند «وَ تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»<sup>۴۹</sup> توشه‌ای بهتر از این از دنیا نیست. تو چقدر مال تهیه کردی؟ هر چقدر، به درد نمی‌خورد، هر چقدر آبرو جمع کرده باشی به درد نمی‌خورد، هر چقدر محبوبیت کسب کرده باشی به درد نمی‌خورد. این اصلاً کاری پیش نمی‌برد. «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ»<sup>۵۰</sup> هر دو مثال است، «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»<sup>۵۱</sup>، قلب سلیم یعنی قلب

۴۹ آیه ۱۹۷ سوره مبارکه بقره

۵۰ آیه ۸۸ سوره مبارکه شعراء

۵۱ آیه ۸۹ سوره مبارکه شعراء

۴۸ آیه ۷۲ سوره مبارکه مریم

سوره خانمانه‌ی ناز لطیف،  
اواخر سوره این را می‌آورد.  
چقدر تکان‌دهنده است «وَ  
إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ  
عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا»<sup>۵۳</sup>.

## ۱۲. ورود به بهشت

«وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّنْ  
رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ  
وَ الْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۵۴</sup>  
می‌گوید من تمام این بهشت  
را برای اهل تقوا فراهم کردم.

منظور این بود که در جغرافیای  
قرآن کریم، در آفاق قرآن، یک  
لحظه به کلمه تقوا یک نظری  
انداخته باشیم. اگر توفیقی شد،  
عمری بود جلسه آینده خود  
کلیدواژه تقوا را از منظر قرآنی  
یک موشکافی خواهیم کرد.  
دوم هم این که ببینیم چگونه  
می‌شود انسان نزدیک‌تر و

۵۳ آیه ۷۱ سوره مبارکه مریم

۵۴ آیه ۱۳۳ سوره مبارکه آل عمران

آراسته به تقوا. اگر کسی این  
را پیش خدای متعال برد، اهل  
نجات است، والا در دنیا من  
چی داشتم و فلان منصب و  
مقام و پول و ثروت و دلار و  
ملک و املاک و درجه و رتبه  
و همه این‌ها شوخی‌های  
دنیا است. «أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا  
لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ  
بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ  
وَ الْأَوْلَادِ»<sup>۵۵</sup> دنیا یعنی همین  
چیزها، در این‌ها چیزی نیست.

از این جا اگر تقوا بردی،  
بُردی. وَالْأُمُودِي، مُردی. یعنی  
دیگر ماندی، چیزی گِیرت  
نیامده. آن جا هم برسی باز  
از تو تقوا می‌خواهند. لذا  
این آیه‌ای که الان خواندیم  
خیلی آیه‌ی سنگینی است.  
البته خدای متعال در یک  
سوره خیلی لطیفی هم این  
آیه را آورده، این آیه در اواخر  
سوره مبارکه مریم است. یعنی

۵۲ آیه ۲۰ سوره مبارکه حدید

اتفاق افتاد، آن شکست غیرقابل ترمیم؛ بالاخره جنایت‌هایی است که اکنون این‌ها دارند مرتکب می‌شوند، ولی بدانید این تسریع می‌کند. جنایت‌هایی که الان این‌ها دارند انجام می‌دهند کاملاً انفعالی است. شما حساب کنید این غزه، این باریکه سیصد و پنجاه، شصت کیلومتری، متراکم‌ترین شهر عالم است. دومین شهر متراکم از نظر جمعیت در تهران است. دومین شهر متراکم دنیا شهرستان گلستان است. می‌گویند بعد از غزه این جاست، از جهت نسبت جمعیت به زمین می‌گویند بروید ببینید چه خبر است. ظاهراً غزه از جهت تراکم جمعیتی در دنیا اول است. در یک منطقه خیلی کوچک این جمعیت دو میلیون خرده‌ای آن جا هستند. خب شما حساب کنید این‌ها با تمام امکان‌شان

سریع‌تر به تقوا برسند. ولی ماوراء همه این‌ها خواستن از خدای متعال است «**الهمنی** التقوی» برسان، می‌گوید من عرضه‌اش را ندارم. طبق قواعد، طبق برنامه، تلاش می‌کنم، نوکرت هم هستم، اما خودت برسان. «**الهمنی**» از آن راه مخفی، مستور که می‌آید در قلب من، به من برسد و الهام بشود.

ان شاءالله این دعای امام (علیه‌الصلوة‌والسلام)، همه دعای مکارم به ویژه این قطعه نورانی دعای مکارم ان شاءالله برای همه دوستان و همه ما مستجاب بشود.

### قضایای فلسطین و زوال رژیم صهیونیستی

قضایای فلسطین و قدس یک اتفاق عادی نیست. آنچه که اکنون دارد رخ می‌دهد، مخصوصاً آنچه که در آن شبیه

خدای متعال به دست همین احمق‌ها خواسته این‌ها را در این مرحله در پیش افکار جهانی چنان روسیاه‌شان کند و چنان بی‌آبروی‌شان کند، به دست این‌ها چنان رسوایی دارد بار می‌آید که بی‌نظیر است، از اروپا و آمریکا و از همه جا صدا بلند است. سازمان ملل که به قول شما بی‌خاصیت‌ترین جای این نظام جهانی حساب می‌شود صدایش درآمده است. این جنایت اخیر آن‌ها حتماً در افول و در زوال رژیم صهیونیستی تسریع خواهد کرد. این ظلم ظلمی است که خون این بچه‌ها و این مظلومین و این خانم‌ها در دستگاه الهی بی‌جواب نمی‌ماند «إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُتَقَمُونَ»<sup>۵۵</sup>، «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»<sup>۵۶</sup>

۵۵ آیه ۲۲ سوره مبارکه سجده

۵۶ آیه ۲۲۷ سوره مبارکه شعراء

دارند می‌کوبند، دیشب دیدید چه خبر است، تا صبح زدند. مراکز امداد، مراکز درمان، هر جا که بتوانند دارند شلیک می‌کنند. تعداد شهداء و مجروحین از این جمعیت میلیونی چقدر است؟ با این کوبشی که این‌ها دارند الان باید تمام شده باشند. چون می‌زنند هم عادی نمی‌زنند، با بمب‌های مخصوص است که دیدید وقتی می‌زند کل این ساختمان یک جا می‌پاشد. هشتصد درجه حرارت، یک چیز عادی نیست، می‌زند اصلاً تلاشی می‌کند. به رغم تمام این کوبیدن‌هایشان تا حالا می‌گویند ۲۸۰۰ شهید و از مجروحین هم هفت هشت هزار، یک عددی می‌گویند. این دائم دارد تغییر می‌کند. این جور که این‌ها نسل‌کشی راه انداخته بودند، الان کسی نباید مانده باشد.

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ  
 إِلَىٰ أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ  
 بِمُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ أَجْمَعِينَ».

پروردگارا نصرتت را بر جبهه  
 مقاومت به ویژه در فلسطین  
 نازل بفرما. صبر و اجر به  
 مردم مظلوم و مقاوم غزه  
 کرامت بفرما. ارواح مطهر  
 شهداء امام راحل عظیم الشان،  
 سید الشهداءی جبهه مقاومت با  
 اباعبدالله محشور بفرما. قسمت  
 می‌دهیم به حق محمد و آل  
 محمد، خفت و خواری و  
 نکبت و هزیمت را بیش از این  
 بر استکبار جهانی، بر رژیم  
 صهیونیستی، آمریکای جهانخوار،  
 پشتیبان‌شان نازل بفرما. موانع  
 ظهور مرتفع بفرما، قلب مقدس  
 ولیات را از ما راضی بفرما.  
 عزیز رهبران در کنف حمایت  
 حضرت حفظ بفرما. ما را  
 قدرشناس وجود نازنینش قرار  
 بده. ارواح مطهر شهداء، امام  
 راحل، گذشتگان خودتان را با

حالا ببینیم آیا این‌ها آتش‌بس  
 می‌گیرند یا ادامه می‌دهند  
 برسد به بازگشایی جبهه‌های  
 جدید. نمی‌شود خیلی حدس  
 زد، ولی به نظر می‌رسد  
 که نتوانند ادامه بدهند. الان  
 نمی‌دانند چه خاکی به  
 سرشان کنند. آتش‌بس بگویند  
 پذیرش کامل شکست است،  
 نخواهند آتش بس بدهند چه  
 جوری ادامه بدهند، باز هم  
 یک شکست دیگری است. لذا  
 بین این شرایط خاص ماندند.

«إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ  
 بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ  
 وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغَنَاءِ  
 وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرْضِي  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ  
 وَ الصِّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ  
 وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ  
 وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ

صلوات و فاتحه‌ای شاد بفرمایید.  
«اللهم صل علی محمد و آل محمد»





افق‌ها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه  
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر